

بیداری اسلامی نقش انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن در رشد روند بیداری اسلامی

بیداری اسلامی نقش انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن در رشد روند بیداری اسلامی

مسلم آخوندی- زهرا مددی

چکیده

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ (رعد 11)

طلوع خورشید اسلام در سرزمین تاریک و کفرزده عربستان نویدی بود در افق امید زندگی، زمانی که جهل و نادانی، ظلم و جور، حق‌کشی و زورگویی از مصدق مسلم و مسلط بر جامعه‌ای بشری شده بودند و جزء عده و عده، شمشیر و قدرت قبیلگی حرف حق دیگری شنیده نمی‌شد طفلی چشم به دنیا گشود که در میان اعراب کوچ‌نشین طفولیت خود را طی نمود، محمد عبداً بنده‌ای شد که با دیگر هم‌نوعان تفاوت اساسی داشت، صداقت و امانت او چنان درخشید که او را شهرت جهانی داد و به امین ملقب گرداند.

در چهل سالگی پنجره‌ای از تفاوت‌های شخصیتی او بر جهان‌یان آشکار گردید؛ زمانی که به وی خطاب رسید:
یا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنذِرْ، وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ... (مذثر 1 و 2 و 3)

ندای دعوت همگانی آخرین دین الهی در فضای ابهام‌آمیز عربستان طنین‌انداز شد و نادې آن محمد
امید(صلي الله عليه و آله و سلم) به عنوان خاتم المرسلین دعوت امت اسلامی را علنی کرد تا طلّیعه
نورانی و نجات‌بخش را بر کام تشنه و خشکیده مردم هدیه نماید[1].

از آن روزگاران به بعد بود که ندای یا ایها المسلمین و یا ایها المؤمنین توسط منادیان حق در گوشه
و کنار جهان بر گوش جان حق‌باوران ترنم نجات بخشید؛ ظهور و بروز دین اسلام و نشر و بسط آن در جهان
انسانی روح تازه در جان آدمیان دمید. تلاش بیست و اندی سال پیامبر و به دنبال آن جانشانی و
ایثارگری ائمه علیهم السلام و مؤمنین و مسلمین پیرو ولایت، دین اسلام را جهانی نمود و در گستره عالم
عرضه کرد.

امروز به برکت نهضت جهانی رسول اعظم صلی‌الله علیه آله و سلم، حرکت‌های انقلابی و اسلامی متأثر از آن
با شاخص انقلاب رهایی‌بخش جمهوری اسلامی ایران به رهبران حضرت امام خمینی(ره) در اقصی نقاط این
جهان پهناور آغاز شده و نویدبخش آینده‌ای روش از عالمگیر شدن آیین اسلام دارد. نگاهی اجمالی به
این موضوع و بررسی عالمانه حرکت‌های بیدارگرانه گویای این حقیقت است که انقلاب اسلامی سرآغاز
خیزش‌های اساسی و اسلامی در جهان معاصر است که با تمسک به آموزه‌های دینی و شرع مقدس فصل نوینی در
باب حاکمیت دینی فرا روی جهان‌یان گشود و با خط بطلان کشیدن بر ادعاهای پوچ و بی‌اساس مدعیان جدا
انگاری دین از سیاست، کارآمدی دین را به عنوان آئینی رهایی‌بخش به منصف ظهور رساند.

انقلاب اسلامی سرآغاز خیزشها:

پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1979 میلادی (22 بهمن 1357 شمسی) اتفاق غیرمترقبه‌ای بود که حتی رئیس
وقت سازمان آمریکا آن را پیش‌بینی نشده تلقی کرده بود.

آمریکا در سالهای مفاارن با پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه دو رکن اساسی برای حفظ منافع خود
پیش‌بینی کرده بود که ایران و مصر معروف به دو ستون یا نردبان، دو پایه استراتژی آمریکا بودند که
کاملاً مطیع اوامر و تصمیمات آنان بوده و به عنوان ژندارم غرب در منطقه عمل می‌نمودند.

وقوع انقلاب اسلامي، سرنگوني رژيم پهلوي و از دست رفتن اولين ركن استراتژي حفظ منافع آمريكا در خاورميانه، دولت آمريكا را دچار بهت و سرگرداني كرد به حدي كه تا مدتها، قدرت تصميم‌گيري از آنها سلب شده بود.

استقرار نظام اسلامي با پشتوانه مردمي و به رهبري يك چهره روحاني و مذهبي دست‌پرورده مكتب اسلام و قرآن به هيچ عنوان براي غرب قابل تحمل نبود.

روش و استحکام نظام اسلامي و پايه‌گذاري ارکان حكومتي از جمله عواملی بود كه هر روز حيرت و سرگرداني غرب و خصوصاً آمريكا را بيشتر مي‌كرد.

وزير خارجه وقت آمريكا در سفرش به كشورها عربي منطقه براي كنترل انقلاب اسلامي و جلوگیری از نفوذ معنوي آن در بين مردم منطقه در مصاحبه با رسانه‌هاي گروهی به‌طور علني اعلام مي‌كند كه «با يستي ريشه انقلاب اسلامي در منطقه خشكانده شود». البته اين آرزويي بود كه وي به گور برد و نه تنها هيچ‌وقت محقق نشد بلكه روز به روز با گذشت زمان،ديدگان جهان‌نيان شاهد رشد و نمو تفكر انقلابي در مردم مسلمان بوده و موج عظيم بيداري كم‌كم گوشه‌هاي خفته در خواب غفلت را با ندای بيداري نوازش مي‌كند.

البته اقدامات غرب براي جلوگیری از پیروزي انقلاب اسلامي و به ثمر نشستن نهال نوشكفته آن خود مقوله‌اي است كه هر كدام نياز به بحث و استدلال جداگانه دارد. علي‌اي حال به خواست الهي تفكر منبعث از الهامات قرآني در ايران طومار رژيم استبداد پيشه و غيرمردمي پهلوي را پس از 50 سال حكومت ظالمانه در هم پيچيد و آنها فرار را بر قرار ترجيح و به‌وطر دسته‌جمعي مجبور به ترك خاك پاك ايران‌زمين شدند.

ايران سرمشقي شد دوسويه، كه هم مسلمانان و آزادگان جهان‌آن را الگو قرار داده و به اين بارقه اميد با چشم بيدار بنگرند كه اگر در آنها اراده‌اي و همتي با تسك به تفكر الهام‌بخش قرآني باشد مي‌توانند با حفظ وحدت و يکپارچگي از زير يوغ استعمار و استثمار رهايي يابند. از سوي ديگر سردمداران استكبار جهاني به عنوان زنگ خطر دريافتند كه اگر به‌طور جدي دست به اقدامات كنترلي و سرکوب‌گرانه نزنند، دولتهای منطقه يکي پس از ديگري انقلابي شده و حاکمان موجود سير سرنگوني را طي خواهند نمود.

خوي استكباري و ددمنشي آنها بر آن داشت تا پرده از چهره تزوير كنار زده و آشكارا اقدامات سرکوبگرانه را كشق راه آينده خود قرار دهند. البته شيوه اجرا را طوري گزينش كردند كه اثر آنها كمتر مشاهده شود. بيشتر اقدامات بوسيله حكام وابسته داخلي و عوامل و عناصر تربيت شده و وابسته صورت ميگرفت و در برخي نقاط مستقيماً مجبور به اقدام ميشدند.

پرچم انقلاب اسلامي كه در يران در حال اهتزاز بود رهبر بيدار دل و آيندهنگر آن، حضرت امام(ره) در سخنان خود باب جديدي را به روي ملت مسلمان و خداجويجهاني باز كردند. اين پير و مراد عاشقان تنها به فكر نجات مردم يك کشور نبودند بلكه علاقمند بودند كه رايحه دلنشين آزادي اسلامي جهان مسلمين را نيز معطر كند. اما مسلمانان و علماي اسلام را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

« اي مسلمانان در همه بلاد و اقطار عالم بپا خيزيد! و اي علماي اعلام جهان اسلام، به داد اسلام و بلاد مسلمين و مسلمانان برسيد.»

ايشان كه همچنان بر قدرت لايزال الهي متكي بوده و پيروي مردم مسلمان ايران را مرهون الطاف الهي مي دانستند با تمسك به آيه: «أَنْ تَنْصُرُوا أَوْ يَنْصُرَكُمْ وَيُثَبِّتَ أَقْدَامَكُمْ» [2] خطاب به مردم مسلمان جهان چنين فرمودند: « همچون سلحشوران ايران شهادت را بر ذلّت و شرف اسلام و انساني را بر رفاه و عيش چند روزه توأم با خواري و شرمساري ترجيح داده و در ميدان نبرد سياسي و نظامي بر آنان چيره شويد و از هياهو تبليغاتي آنا باك نداشته باشيد.

فريادي كه از قلب مؤمن است بر همه چيز غلبه مي كند. بر كاخ سفيد هم غلبه مي كند... [3]

دين اسلام دين خاتم است براي نجات همه انسانهاست. اختصاصاً به زمان و نسل خاصي ندارد يكي از دلايل عمده مخالفت جهانخواران از گذشته تاكنون نيز همين مسئوليت است.

وقتي از طرف پيامبر اسلام به مردم مخاطب خود ابلاغ شد كه بعد از ايشان ديگر پيامبري نخواهد آمد و دين معرفي شده بوسيله ايشان آخرين دين الهي است. با اينكه عهد ذهني داشتند و در كتب آسماني پيشين نيز به پيروان آنها يادآوري شده بود كه در آينده پيامبري خواهد آمد با چنين ويژگيهايي كه دين او آخرين دين الهي است ولي باورش براي آنها سخت بود. بنا بر اين پس از ارسال رسل و انزال كتب مسئوليت هدايت انسانها بر عهده انسانهاي وارسته اي قرار گرفت كه در جرگه امامت مردم قرار دارند علماي بزرگ و تربيت يافته در مكتب امامت و ولايت سلسله مراتب هدايت كننده پس از امامان مي باشند.

لذا حضرت اما خميني(ره) به عنوان وليّ فقيه مسلمين و رهبر آزاديخواه، وقتي با نصرت الهي و به پشتوانه حمايت مردم ايران توانست بر رژيم طاغوت پهلوي مسلط آيد، مردم ستمديده و مظلوم جهان را فراموش نکردند و در بيان ديگري پيرامون « نسيم بيداري » فرمودند:

« امروزه نسيم بيداري در سراسر جهان وزيدن گرفته و توطئه هاي فريبگر ستمکاران تاحدودي فاش شده است وقت آن است که دلسوختگان واقعي مظلومان از هر قوم و قبيله در هر مرز و بوم با قلم، بيان، اندیشه و فکر از جنايات ستمگران در طول تاريخ سپاه آنها پرده بردارند و پرونده هاي تجاوز آنان را به ساکنين اين سياره ارائه دهند و علما و دانشمندان سراسر جهان بويژه علما و متفکران اسلام بزرگ، يکدل و يک جهت در راه نجات بشريت از تحت سلطه ظالمانه اين اقليت حيله باز و توطئه گر که با دسيسه ها و جنجال ها، سلطه ظالمانه خود را بر جهانيان گسترده اند، بپايزند و با بيان، قلم و عمل خود خوف و هراس کاذبي را که بر مظلومان سايه افکنده است بزدايند. » [4]

امام در اين بيان خود ضمن ارائه طريق مبارزه، براي اقشاري از جامعه نيز مسئوليت معلوم نموده اند. به اهل قلم و بيان خطاب کرده اند که خداوند اگر به شما نعمتي داده است توانايي در شما ايجاد شده که با بيان و يا با قلم خود مي توانيد به نهضت ديداري کمک کنيد پس نبايد فرصت را از دست دهيد. ضمن اينکه در اين مسير نيز مسئوليت داريد. بنا بر نص صريح قرآن کریم که فرموده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» خلقت انسان هدفمند است و او در اين مسير زندگي بايد تلاش کند تا اهداف منظور شده تحقق يابد. خصوصاً انسانهاي خداجو و متعهد در قبال حوادث جامعه خود مسئوليت دارند. اگر آنها به اين مسئوليت توجه نکنند در روز تبلي السرائر بايد جوابگو باشند.

مورد خطاب ديگر حضرت امام(ره) علما، دانشمندان سراسر جهان خصوصاً علما و متفکران جهان اسلام است. کساني که خود را پيرو مکتب انسان ساز و مسئوليت آور اسلام مي دانند پس بايد به آموزه هاي ديني نيز عمل کنند.

اما از آنها مي خواهد که در مسير مبارزه با ظلم و ستمگر بايد اتحاد و همدلي را برگزيد. همه توان و استعدادهاي بالقوه و بالفعل در کنار هم قرار گيرند و هم افزايي ايجاد کنند تا محور کفر و الحاد را شکست دهند. به نظر آن راحل بزرگوار طالمين در اقليت هستند. عدد آن قليل است. مفهوم ديگر بيان حضرت امام اين است که آنها بر باطل مي باشند. وعده الهي براي نصرت و پيروي اهل حق است نه باطل. تجربه تاريخي هم نشان داده است که انسان ها بر هر دين و مسلکي که باشند به يک سري از ارزشهاي انساني علاقمند و از آنها حمايت مي کنند. از جمله اين ارزشها درستي، صداقت و عدالت... مي باشند.

پس حيله‌بازي و توطئه‌گري خودبخود مورد تنفر است و اهل خود را نيز منفور مي‌کند. يعني افکار عمومي جهان از اين خصائص دوري مي‌جویند و تعداد طرفداران و پیروان آنها را در اقلیت قرار مي‌دهند.

در اوان پیروزي انقلاب اسلامي رهبر بيداردل انقلاب اسلامي با تيزبيني و آینده‌نگري چشم‌انداز آینده را در منطري بلند و طولاني قرار داد. ايشان آمادگي مردم مسلمان منطقه را براي روي‌آوردن به اسلام پيش‌بيني کردند لذا به همين منظور از ابتداء اين فرصت را از دست نداده و مردم را هم از نعمت حمايت و هدايت خود محروم نکردند. اين رفتار حضرت امام نشان داد که نيت باطني و خیراندیشي ايشان چقدر عميق و وسيع است. او همان کاري را کرد که اجداد بزرگوار و سلف خلف ايشان در اعماق تاريخ انجام داده‌اند. رهبري و دوراندیشي يعني همين. برخلاف رهبران مادي‌نگر که به محض اينکه کشتي نجات آنها بر ساحل آرامش قرار گرفت کاري به ديگر خلايق جهان ندارند. بلکه به دنبال آنند تا چگونه بر قلمرو حکومتي خود اضافه کنند و يا منافع فردي و گروهي خود را چگونه توسعه دهند؟

نداي ملکوتي حضرت امام(ره) وقتي در جهان طنين‌انداز شد، گوشهاي شنوا و دلهاي بيدار آلارم هوشيار باش را دريافت کردند. پايه و اساس خيزش امت اسلامي در جاي جاي کشورهاي اسلامي پايه‌ريزي شد احزاب، گروهها و جنبش‌هاي مختلف، سازمان‌دهي شد و هرکدام با اهداف و مرامنامه‌ي خاصي اعلان موجوديت نمود، که بررسي عمق هرکدام از آنها فرصت و مجال ديگري را مي‌طلبد. ولي اين حرکت عظيم و متحد دل دشمنان مستکبر را لرزاند. همه به دست و پا افتادند تا شايد بتوانند اين طفل تازه متولد شده را در اوان کودکي از رمق بپندازند ولي بي‌خبر از آن که «نور خدا با فوت دشمنان خاموش شدي نيست».

ارائه شاخص قيام:

درگير شدن با حکومتهاي فاسد، فاسق و ستمگر، کاري بس بزرگ است و نیازمند تدبير، سازماندهي توان و امکانات برنامه‌ريزي و شاخص‌گذاري است. اگر مبارزين در مسير مبارزه خود بي‌تدبيري کنند مقاومت آنها قطعاً به دست حکومت جبار وقت سرنگون خواهد شد. حضرت امام(ره) که به اين معنا واقفند و آسیب‌هاي مبارزات را با پوست و خون درک کرده‌اند، در بياني به شکورهاي زیرسلطه چنين مي‌فرمانيد:

«... به آنان صريحاً مي‌گويم که حق گرفتني است قيام کنید و ابرقدرت‌ها را از صحنه تاريخ و روزگار

براندازيد...» [5]

ملت از این تدبیر دریافتند که زورگویان براحتی از مرکب مراد پایین خواهند آمد. حق گرفتنی است و قیام برای گرفتن حق از الزامات آن است. ضمناً در این بیان حضرت امام(ره) راهبردی دیگر به دست آمده است که تئوریسین‌ها بخوبی آن را دریافته‌اند و آن عاقبت ابرقدرت‌هاست که اگر ملت مظلوم و محروم قیام کند غایت آمال و مطلوب نظر آنها محو ابرقدرتها از صحنه روزگار است پس بیهوده نیست که آنها با تمام توان در مقابل انقلاب اسلامی و خیزش‌های بیدار می‌ایستند، چون قصه بود و نبود در کار است، دیگر مسئله برد و باخت نیست. موجودیت آنها مورد هدف واقع شده است. از آنجائیکه حضرت امام(ره) درک می‌کردند که ابرقدرتها در مقابل قیام مردم بیکار نخواهند نشست و حتماً برای رهایی خود دست به اقدام خواهند برد. آن رهبر بی‌دلیل در سخنرانی دیگر سریعاً مردم را توجیه کرده و برای آماده‌سازی ذهن آنها می‌فرمایند:

« در کشورهای اسلامی و مستضعفان جهان قدرت اسلامی خود را بیابند و از عربده‌های شرق و غرب و وابستگان و تفاله‌های آنان نه‌راسند و با اعتماد به خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام و ایمان بپا خیزند و دست جنایتکاران را از کشورهای خود کوتاه کنند.» [6]

این ندای بیدارباش رهبر کبیر انقلاب اسلامی در بستر تاریخ، زمینه‌ساز تحرکی شد تا پایه ظلم و ستم را بسوزانند.

همچنانکه رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با مردم فارس در روز شنبه 2/90/3 فرمودند:

« این بیداری ملتها پایان ندارد. رژیم‌های حاکم آنان بدانند که با سرکوب و ظلمی که بر آنها روا می‌دارند دیگر نمی‌توانند آنها را خاموش کنند.»

دشمن سالهاست که روی منطقه خاورمیانه سرمایه‌گذاری کرده است. در طرح اولیه آمریکا که دنبال کدخدایی جهان بود، تشکیل خاورمیانه تحت تسلط غرب مدنظر بود. سالهاست که راهبرد آمریکایی‌ها حول همین محور می‌چرخد. اگر به بهانه سرکوب طالبان به افغانستان حمله کردند تا جای پای در منطقه باز کنند و راهی برای لشکرکشی داشته باشند، بتوانند افکار عمومی را همچنان در ابهام فرو برند، کمی که خود را در رسیدن به هدف موفق احساس کردند، خانم رایس در یک سفر منطقه‌ای اعلام کرد که حمله اسرائیل به جنوب لبنان درد زایش خاورمیانه جدید (بزرگ) است. آنها به خیال خود با جنگ 33 روزه قصد داشتند که مسئله کرانه‌های باختری را حل کرده و برای همیشه همچنانکه به هم‌پیمانان خود قول داده

بودند، امنیت اسرائیل را برقرار کنند. ولی از قدرت اسلامی مردم مسلمان بی‌خبر بودند. فکر نمی‌کردند که طرح‌های دقیق و تئوری‌های پیچیده ریاضی آنها ممکن است با طوفان شن یا دعای نیمه‌شب برهم بریزد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سال گذشته در دیدار با گروه‌های مبارز فلسطینی نیز فرمودند:

«شکی نیست که براساس حقایقی که خدای متعال تقدیر کرده است، خاورمیانه جدید شکل خواهد گرفت و این خاورمیانه خاورمیانه اسلامی خواهد بود.»

با این تدبیر ابتکار از دست غرب خارج شد. یعنی علی‌رغم تلاش چندین ساله و سرمایه‌گذاری‌های کلان بر روی کشورها و گروه‌های مخرب و معارض منطقه برنده این میدان مردم مسلمان و انقلاب اسلامی است.

ایشان در جای دیگر با بهره‌گیری از وضعیت بحران زده و سردرگم غرب و رژیم‌های وابسته به آنها که امروز مدیریت کشورهایشان نیز از دست آنها دررفته است فرمودند:

«ما امروز در یک برهه حساس به سر می‌بریم... شاید در یک مجال کوتاه برایش استدلال هم نشود ارائه کرد. البته مستدل است، منتها شاید در دو کلمه نشود استدلالی برایش بیان کرد. این است که مراکز استکباری جهانی در مقابله با حرکت اسلامی که نماد واقعی‌اش جمهوری اسلامی است دارند آخرین تلاشهای خودشان را می‌کنند. در بسیاری از عرصه‌ها تلاشهایشان و تدابیرشان به بن‌بست خورده و کار از دستشان دررفته است. این کمربندی که اینها به دور مسایل جهانی کشیده بودند و حیطه‌بندی‌ای که کرده بودند در حساس‌ترین نقاط روی زمین یعنی خاورمیانه، این کمربند پاره شده است یا سست شده، حداقلش این است ولی به نظر من پاره شده و از دستشان دررفته است.»

آینده‌نگری مقام معظم رهبری روی پاره شدن حیطه‌بندی نظام استکباری درست از آب درآمد و طولی نکشید که همه جهان‌یان مشاهده کردند که اروپا و آمریکا در حل معطلات پیش آمده نه تنها بی‌خاصیت شده‌اند بلکه تکلیف خود را هم نمی‌دانند.

استکباری که در حمله به عراق آن چنان دستپاچه عمل می‌کند که وقعی برای شورای امنیت قائل نشده و بدون مجوز جهانی حمله به عراق را آغاز می‌کند. چرا که می‌ترسد مبادا طفل در حال تولد بنام خاورمیانه سر در زانو بمیرد و در این بین مادر دلسوزی از بین کشورهای مسلمان وابستگی آن را تقبل

کرده و جا پای برای آمریکا باقی نگذارد. ولی امروزه سؤال اساسی افکار عمومی از آمریکا و شورای امنیت این است که پس قدرت بازدارندگی شما کجاست؟ چرا باید ملت لیبی توسط حاکم جبار و خون آشام آن قتل عام شود ولی شماها بر سر مسئله فرماندهی کار و یا اینکه از توان نظامی خود برای سرکوب استفاده کنید یا نکنید؟ تعلل نمائید و بعد از مدتها فرصت سوزی عاقبت به صورت نمادین در این میدان حاضر شده اما بدون آنکه مؤثر باشید آبروی نداشته چند ساله خود را برده و ابهت ابرقدرتی شما در مقابل دیدگان مردم خرد شود.

مقام معظم رهبری در سالگرد رحلت حضرت امام (ره) سال 89 در جمع دوستداران آن حضرت در حرم مطهرش نوید داده بودند:

« گسترش موج بیداری در دنیای امروز حقیقتی است که فردای نیکی را به ملت اسلامی نوید می‌دهد از سه دهه پیش که با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی این خیزش پرفدرت آغاز شده، امت بزرگ ما بی‌وقفه پیش رفته، مانعی را از سر راه برداشته و سنگرهای را فتح کرده است. پیچیده‌تر شدن شیوه‌های دشمنی استکبار و تلاش پرهزینه‌ای که در مقابله با اسلام می‌کند نیز به دلیل همین پیشرفت‌هاست. تبلیغات وسیع دشمن در جهت اسلام‌هراسی، تلاش شتاب‌زده‌ای که برای ایجاد اختلاف میان فرقه‌های اسلامی و برانگیختن تعصب‌های فرقه‌ای می‌کند...» [7]

آنها که همیشه همراه رهبر نیک‌اندیش اسلامی هستند و تدابیر خیراندیش او را دنبال می‌کنند خوب دریافته‌اند که پیش‌بینی امام گونه‌ایشان چقدر با واقعیت‌های فعلی جهان مطابقت پیدا کرده و درست بر هدف نشسته است.

امروز حکومت علی‌عبدالله صالح در یمن و آل خلیفه در بحرین بر موجی از اعتراضات مردمی سوار است که هر لحظه آن را به سمتی می‌برد که غایت آن سرنگونی و نابودی است.

حضرت آقا در مورد صدور انقلاب معتقدند:

« ما انقلاب را امروز نمی‌خواهیم صادر کنیم. انقلاب یک بار صادر می‌شود و شد این که می‌بینید امروز در سرتاسر دنیا گرایش و ایمان اسلامی زنده شده است این که می‌بینید ملتها در شمال آفریقا و در خاورمیانه و در شرق و غرب کشورهای اسلامی بیدار شده‌اند... همه حاکی از این است که انقلاب اسلامی در اول وقوع خود صادر شده است.» [8]

آمریکاییان سالهاست که در مقابل انقلاب اسلامی و ملتهای مسلمان عربده‌کشی می‌کنند و جنگ و دندان نشان می‌دهند. در طی سالها پیروزی انقلاب اسلامی به انواع ترفندها دست بردند، در هر کشوری عیاری خود را بسیج نمودند تا شاید نهال اسلامی به گل نشسته در قلب مردم را از ریشه بخشکانند ولی در مقابل رهبر بیدار دل انقلاب اسلامی این توهم باطل آمریکائیان را چنین تفسیر می‌کند: «آمریکائیان می‌دانند که در دنیای اسلام آینده‌ای ندارند. برای این که بیداری اسلامی به حرکت‌های انقلابی منتهی نشود، پیش‌دستی می‌کنند و می‌خواهند چیزی را که برایشی ملتها سرنوشت محتوم است با ابتکار و حرکت‌های پیشدستانه خودشان عقب بیندازند.

جهان اسلام برای به نتیجه رسیدن این بیداری اسلامی نیاز به اتحاد دارد. اگر رهبران دینی براساس پایه و اصول قرآنی گرد هم آیند و مسائل فرعی را کنار گذاشته و مواظب فریبکاری و تفرقه‌افکنی دشمنان قسم‌خورده باشند، تا پیروزی نهایی و به نتیجه رسیدن چند گام دیگر باقی نمانده است.» [9]

همانگونه که در دیدار با مسئولان و کارگزاران حج در 8/2/1372 خطاب به حکام مصر چنین هشدار دادند: «ملت مصر خیانت سران خودش را تحمل نخواهد کرد.»

سپس در توضیح و تبیین این بیانات شفاف‌سازی کردند که:

«ملت مثلی ملت مصر خودشان تکلیفشان را می‌دانند. خودشان آگاهند که چه باید بکنند و درست هم فهمیده‌اند، جوانان مصر درست فهمیده‌اند که در مقابل حکومتی که به آرمان اسلامی و به آرمان فلسطین و به سرنوشت کشورهای اسلامی خیانت می‌کند ایستاده‌اند. اشتباه اینها در همین است که قدرت و نیرو و تأثیر اسلام را نمی‌توانند بفهمند.» و دنیا امروز متوجه شده که آینده‌نگری رهبر جمهوری اسلامی چقدر درست و قابل اتکا است.

- [1] - کتاب انسان و ایمان استاد مطهری.
- [2] - سوره محمد، آیه 7.
- [3] - صحیفه اما، ج 19، ص 290.
- [4] - همان، ج 19، ص 148.
- [5] - به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب 22/11/58.
- [6] - صحیفه امام، ج 15، ص 61.
- [7] - بیانات مقام معظم رهبری در حرم امام(ره)، 14/3/89.
- [8] - پیام مقام معظم رهبری به حجاج، 24/8/89.
- [9] - بیانات مقام معظم رهبری در حرم امام(ره)، 14/3/84.